

عهد جدید: جلد پنجم
زندگی مسیح، بخش ۵

ایمان

اعتماد به کلام خدا

نویسنده: روت ب. گراینر

طراح: فرانسس ه. هرتسلر

طراح رایانه‌ای: اد اولسون

Edited by
Melena Shahverdian, Sourik Saiad

ویرایش: ملنا شاه‌وردیان، سوریک صیاد

©2009 Bible Visuals International

PO Box 153, Akron, PA 17501

Telephone: 717-859-1131 Fax: 717-859-4360

www.biblevisuals.org

درس یک

شفای پسر سرهنگ

قسمت مورد مطالعه کلام: یوحنا ۴: ۴۶-۵۴

هدف درس: تا به شاگردانتان پیاموزید که ایمان یعنی:

(۱) ایمان به عیسی مسیح خداوند و اعتماد به کلامش (۲) ایمان بدون دیدن و (۳) اطاعت.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: خداوند و پسر گرانمایه او کاملاً قابل اعتمادند.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: تمایلی صادقانه برای توکل به عیسی مسیح خداوند.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: ایمان آوردن به عیسی مسیح خداوند به عنوان پسر خدا و پذیرفتن او به عنوان نجات‌دهنده.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. سرهنگ تعلیم گرفت که از عیسی کمک بخواهد (یوحنا ۴: ۴۶).

۲. سرهنگ نزد عیسی رفت (یوحنا ۴: ۴۷).

۳. سرهنگ به آنچه عیسی گفت ایمان آورد (یوحنا ۴: ۴۷-۵۰).

۴. غلامان خبر دادند که پسر شفا یافته است (یوحنا ۴: ۵۱-۵۴).

۵. مرد دید که پسرش شفا یافته است.

آیه حفظی:

«زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست و نه از

اعمال تا هیچکس فخر نکند» (افسیسان ۲: ۸-۹).

درس

آیه حفظی می‌گوید که ما «بوسیله ایمان نجات یافته‌ایم»- ایمانی که «بخشش خداست». بیایید لحظه‌ای درباره کلمه ایمان فکر کنیم. واقعاً این کلمه چه معنای دارد؟ (معلم: در این باره بحث کنید). تصور کنید که شما می‌خواهید ایمان را برای شخص دیگری توضیح دهید، از چه موردی می‌توانید برای

کمک به تفهیم معنی ایمان به دیگری کمک بگیرید؟ (به دانش آموزان فرصت دهید که درباره این مطلب فکر کنند و به نظرات آنان گوش دهید).

حالا اجازه دهید به شما بگویم که چگونه یک معلم کتاب مقدس معنی ایمان را توضیح می دهد. «من خیلی خسته ام و می خواهم روی این صندلی بنشینم و استراحت کنم. (شما ممکن است از « نیمکت » یا « صندلی » یا هر چیزی که در کلاستان استفاده می کنند اسم ببرید). اما نمی دانم که آیا می توانم به این صندلی اعتماد کنم یا نه. صندلی خوبی به نظر می رسد. ظاهری استوار دارد. فکر می کنم مرا ننگه می دارد. اما هنوز کمی شک دارم. آیا کسی از شما روی این صندلی نشسته است؟ آیا شما را ننگه داشته است؟ اما هنوز شک دارم که مرا ننگه می دارد یا نه. تا وقتی که اعتمادی به صندلی نداشته باشم نمی توانم با آرامش روی آن بنشینم (حالا این کار را انجام دهید).

اگر می خواهید از گناه رهایی بیابید باید به عیسی خداوند اعتماد کنید. اعتماد به او معنای ایمان به اوست.

به دقت گوش دهید که تا از کلام خدا نحوه بکارگیری ایمان را یاد بگیرید. سپس در طی درس می توانید حقایقی را که درباره ایمان آموخته اید یادداشت کنید.

۱. سرهنگ تصمیم می گیرد از عیسی کمک بخواهد.

یوحنا ۴: ۴۶

تصویر شماره ۱ را نشان دهید

در شهر کفرناحوم سرهنگی، افسر پادشاه، زندگی می کرد. این سرهنگ ثروت زیاد، خانه ای زیبا و غلامانی داشت. او همچنین پسری داشت که خیلی او را دوست می داشت. او به خوبی از پسرش مراقبت می کرد به امید اینکه روزی او نیز افسر پادشاه شود.



اما اتفاقی افتاد که باعث شد سرهنگ بسیار غمگین شود. پسرش مریض شد و از تب بالا به خود می پیچد. اگر درمان نمی شد می مرد. اما از کجا؟ چه کسی آن قدر دانا بود که بداند چگونه تب را کنترل کند؟ هیچکس در کفرناحوم نمی توانست پسر مریضش را شفا دهد.

۲. سرهنگ نزد عیسی می رود

یوحنا ۴: ۴۷

وقتی همه امیدها زایل شد، پدر تصمیم گرفت نزد معجزه‌گر بزرگ، عیسی مسیح خداوند، برود. مرد شناخت درستی از ماهیت عیسی خداوند نداشت. او (مثل شما) نمی‌دانست که عیسی پسر خداست. اما او احساس کرد که عیسی کسی است که می‌تواند کمک کند. چیزهایی شنیده بود که در یک عروسی در حیطة کاری خودش در جلیل، عیسی خداوند آب را به شراب تبدیل کرده است. سرهنگ به این نتیجه رسید که اگر عیسی خداوند بتواند چنین معجزه ای انجام دهد، مطمئناً می‌تواند پسر مرا شفا دهد.

حالا عیسی در قانا- حدود بیست و پنج مایلی (۴۰ کیلومتری) کفرناحوم، خانه سرهنگ، بود (معلم: شهر یا روستایی را که ۲۵ مایلی از محل اقامت شما فاصله داشته باشد را برای دانش آموزان مثال بزنید تا بتوانند فاصله کفرناحوم تا قانا را تخمین بزنند).

تصویر شماره ۲ را نشان دهید

احتمالاً بیشتر از دو روز طول می‌کشید تا آن مرد به قانا برسد. در حین رفتن، او از خود سوال می‌کرد که: آیا وقتی من به آنجا می‌رسم آیا عیسی هنوز در قانا خواهد بود؟ آیا او برای شنیدن سخنان من وقت می‌گذارد؟ آیا او واقعاً قادر است پسر مرا شفا بدهد؟ کاش زودتر به آنجا می‌رسیدم! آیا من خیلی دیر می‌رسم؟



۳. سرهنگ به گفته‌های عیسی ایمان آورد

یوحنا ۴: ۴۷-۵۰

تصویر شماره ۳ را نشان دهید.

بالاخره به قانا رسید. وقتی عیسی را پیدا کرد التماس کنان گفت: «لطفاً به کفرناحوم بیا و پسر مرا شفا ده زیرا که مشرف به موت است.» این صحنه را تجسم کنید. و از عیسی خداوند می‌خواهد ۴۰ کیلومتر راه برود تا برای پسر او کاری انجام دهد. مرد تعجب شد وقتی عیسی به او جواب داد: «اگر آیات و معجزات نبینید همانا ایمان



نیابید».

عیسی خداوند می‌خواست که به او اعتماد کنند. او می‌خواست که مرد باور داشته باشد که او پسر خداست. ایمان آوردن به عیسی خداوند، به عنوان نجات‌دهنده، مهمترین چیز در زندگی است حتی بسیار مهمتر از شفا یافتن.

پدر بیچاره آنقدر نگران از دست دادن پسرش بود که به نظر می رسید منظور عیسی خداوند را نفهمیده است. بنابراین فریاد زد: «ای آقا، قبل از آنکه پسرم بمیرد بیا». سرهنگ باور داشت که عیسی معجزه‌گر را پیش پسرش ببرد می‌تواند کاری انجام دهد.

عیسی خداوند با تأسف به آن مرد نگاه کرد. عیسی به او گفت: «برو که پسرت زنده است.» زنده! سرهنگ به سختی می‌توانست باور کند. چگونه می‌توانست واقعیت داشته باشد؟ چگونه عیسی می‌توانست پسرش را از راه دور شفا دهد؟ اما سرهنگ هیچ سئوالی از عیسی نکرد. خداوند گفته است که پسرش زنده است. و سرهنگ به او ایمان آورده بود. در ابتدا او بر این باور بود که اگر با او نزد پسرش برود عیسی می‌تواند پسرش را شفا دهد. سپس او باور کرد که عیسی می‌تواند او را شفا دهد، حتی اگر پسر از او دور باشد.

۴. غلامان خبر دادند که پسر شفا یافته است

یوحنا ۴: ۵۱-۵۴

سرهنگ خوشحال روانه خانه شد. یک مایل، دو مایل، سه مایل. او تمام روز را راه رفت. روز بعد سریعتر از او پیش گام بر می‌داشت.

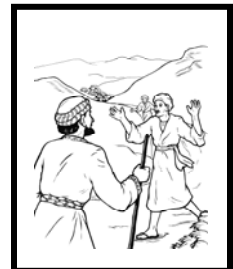
تصویر شماره ۴ را نشان دهید.

وقتی که به کفرناحوم نزدیک شد غلامانش را دید که به طرف او می‌دوند. آنها فریاد می‌زدند: «پسرت زنده است.»

سرهنگ پرسید: «کی این اتفاق افتاد؟ کی حالش بهتر شد؟»

«دیروز در ساعت یک بعد از ظهر تب او برطرف شد.»

سرهنگ گفت: «این همان ساعتی است که عیسی گفته بود که برو پسر زنده است.»



۵. مرد دید که پسرش شفا یافته است

تصویر شماره ۵ را نشان دهید

او با سرعت به خانه رفت و پسرش را دید که کاملاً شفا یافته است. آیا فکر می‌کنید که آن مرد به پسر، خانواده و غلامانش گفت که چه اتفاقی افتاده بود؟ حتماً گفته است! او درباره عیسی معجزه‌گر به آنان گفته است. او همه آنچه بین او و عیسی خداوند رد و بدل شده بود را به آنان گفته است. او توضیح داده است که:



اولاً: من بر این باور بودم که اگر عیسی اینجا بیاید می‌تواند پسرم را شفا دهد.

ثانیاً: وقتی که به من گفت پسرت زنده است سخنان عیسی را باور کردم.
ثالثاً: حالا به عیسی ایمان دارم. ایمان دارم که او پسر خداست. من او را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفته‌ام.

افرادی که در خانه او بودند سخنان سرهنگ را شنیدند. درست در همان زمان همه آنانی که در خانه بودند مهمترین کار را در زندگی انجام دادند: آنها به عیسی، پسر خدا ایمان آوردند. آنها ایمان آوردند. آیا تو به او ایمان داری؟

قابل توجه معلم:

قبل از آنکه تعلیم بدهید، باید کاملاً آن تعلیم را به درستی بشناسید و درک کنید. بنابراین پیش از آنکه این درس را تدریس کنید، لطفاً درباره ایمان در کتاب مقدس مطالعه کنید. همه ما مرتباً از ایمان در زندگی روزمره استفاده می‌کنیم: ما از روی پل رد می‌شویم چون باور داریم که ما را نگه می‌دارد؛ ما یک لیوان آب را از دیگران گرفته و می‌نوشیم چون باور داریم که آب است. ایمان - حتی نوعی که آن را در زندگی روزمره بکار می‌بریم- از جانب خداست. او ما را به گونه‌ای آفریده است که ایمان داشته باشیم. وقتی شخصی به عیسی خداوند ایمان می‌آورد دو دلیل وجود دارد: (۱) به خاطر کار خدا و (۲) چون وجدان شخص عمل می‌کند.

در اینجا رئوس مطالب بسیار خوبی برای یادداشت برداری معلم عنوان آورده‌ایم:

ایمان

لغت دیگری که برای ایمان بکار برده می‌شود باور است. عهد جدید این دو کلمه را تقریباً صد و پنجاه دفعه مورد استفاده قرار داده است. تقریباً معنای آنها یکی است: گفته شده که گناهکار با باور کردن یا ایمان آوردن است که نجات می‌یابد. تنها خداوند جانها را نجات می‌دهد.

خداوند تنها از طریق قربانی کردن فرزند خود نجات می‌دهد.

شخص تنها با ایمان آوردن به پیام خداست که نجات می‌یابد.

باور داشتن نقطه مقابل عمل کردن است.

این آیات را مطالعه کنید: یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، ۳۶: ۵، ۲۴: ۶، ۲۹: ۲۰، ۳۱: ۳۱ و همچنین اعمال رسولان ۱۶: ۳۱ و رومیان ۱: ۱۶، ۳:

۲۲، ۴: ۵، ۲۴: ۵، ۱: ۱۰، ۴: ۳، و غلاطیان ۳: ۲۲.

۱. برای تمرین ایمان راستین همه ابعاد نقش دارند:

الف. دانش و آگاهی امری ضروری است. (رومیان ۱۰: ۱۳-۱۷ را ببیند).

۱- ما باید بدانیم به چه چیز و چه کسی باور کنیم.

۲- ایمان بر پایه کلام خدا استوار است.

با این حال آگاهی به تنهایی کافی نیست. بنابراین:

ادامه قابل توجه معلم:

ب: باور لازم و ضروری است. (متی ۹: ۲۸)

ما به دانش و آگاهی خود باید ایمان داشته و آن را بپذیریم.

آگاهی به حقایق و پذیرفتن ذهنی آنها کافی نیست: بنابراین:

ج: از آن خود کردن آنها امری ضروری است (یوحنا ۱: ۱۲ را ببیند).

من شخصاً باید مالکیت چیزی را که می‌دانم قبول کنم و آنرا برای خود بپذیرم.

۲. ایمان راستین کتاب مقدسی در رابطه با موارد زیر به کار برده می‌شود:

الف. خدا (عبرانیان ۱: ۶، اعمال ۲۷: ۲۲-۲۵، رومیان ۴: ۱۹-۲۱ و پیدایش ۱۵: ۴-۶ را مطالعه کنید).

۱. باید به وجود خدا ایمانی قاطعانه داشته باشیم.

۲. ایمان باور دارد هر آنچه خدا می‌گوید کاملاً درست است.

ب. عیسی مسیح خداوند

۱. باید از ادعاهای او آگاه باشیم. (یوحنا ۹: ۳۵-۳۸، یوحنا ۱۰: ۳۰، فیلیپیان ۲: ۶-۱۱ را مطالعه کنید).

۲. باید ادعاهای او را بپذیریم. (یوحنا ۱۶: ۳۰، ۲۰: ۲۸، متی ۱۶: ۱۶ و یوحنا ۶: ۶۸-۶۹ را مطالعه کنید).

بعد از اینکه ما به قدرت عیسی برای نجات دادن و اینکه او نجات دهنده جهان است آگاهی یافتیم، باید به این آگاهی باور داشته باشیم.

۳. باید شخصاً مسیح را از آن خود بدانیم (یوحنا ۱: ۱۲)

نه تنها باید مسیح را باور داشته باشیم بلکه باید خود را به او بسپاریم. (این یعنی تسلیم شدن به کسی، نه یک ایمان خشک مذهبی)

ج. دعا کردن (اول یوحنا ۵: ۱۴-۱۵ را ببیند).

۱- ما باید از وعده‌های داده شده آگاهی داشته باشیم تا بر پایه آنها دعا کنیم.

۲- ما باید باور کنیم (پذیرش ذهنی) که این وعده‌ها از آن ماست (رومیان ۴: ۲۰ را ببیند).

۳- ما باید وعده‌ها را تصاحب کنیم (یعقوب ۱: ۵-۷ را ببیند).

ایمان راستین از خدا برای چیزهایی که از او درخواست کرده است تشکر می‌کند (اگر مطابق اراده خدا باشد)، حتی قبل از دریافت آن. (مرقس ۱۱: ۲۴ را ببیند).

۳. منبع ایمان

ایمان از کجا می‌آید؟

الف. از جانب خدا می‌آید

۱. خدای پدر (رومیان ۱۲: ۳ را ببیند).

۲. خدای پسر (عبرانیان ۱۲: ۲ را ببیند).

۳. خدای روح (غلاطیان ۵: ۲۲ را ببیند).

- ب: ایمان بعد انسانی نیز دارد. (رومیان ۱۰: ۱۷).
- ایمان از آگاهی از کلام خدا و خدای کلام حاصل می‌شود.
- ایمان ما از طریق بکارگیری ایمان قبلی مان رشد می‌کند (لوقا ۱۷: ۵-۶ را ببیند).
- ما نه تنها باید مسیح را باور کنیم بلکه باید خود را به او بسپاریم (این یعنی تسلیم شدن به کسی نه یک ایمان خشک مذهبی).
- ج. دعا (اول یوحنا ۵: ۱۴-۱۵ را ببیند).
۱. باید از وعده‌های داده شده آگاهی داشته باشیم تا بر پایه آنها دعا کنیم.
 ۲. باید باور کنیم (پذیرش ذهنی) که این وعده‌ها از آن ماست. (رومیان ۴: ۲۰ را ببیند).
 ۳. باید وعده‌ها را تصاحب کنیم (یعقوب ۱: ۵-۷)
- ایمان راستین از خدا برای چیزهایی که از او درخواست کرده است تشکر می‌کند. (اگر مطابق اراده خدا باشد)، حتی قبل از دریافت آن. (مرقس ۱۱: ۲۴ را ببیند)
۴. نتایج ایمان
- الف. ما با ایمان نجات می‌یابیم (یوحنا ۱: ۱۲، رومیان ۵: ۱، غلاطیان ۳: ۲۶، اعمال ۲۶: ۱۸، اول پطرس ۱: ۵ را مطالعه کنید).
- ب. ما در ایمان آرامش و اطمینان و خوشی داریم. (اشعیا ۲۶: ۳، رومیان ۵: ۱، یوحنا ۱۴: ۱، اول پطرس ۱: ۸ را ببیند).
- حالا متن درس اول را دربارهٔ ایمان، با دقت مطالعه کنید: یوحنا ۴: ۴۶-۵۴.
- در درس یک شما موضوع ایمان را مطرح می‌کنید و آنرا توضیح می‌دهید:
۱. ایمان باور کردن عیسی مسیح خداوند و پذیرفتن کلامش است.
 ۲. ایمان باور کردن بدون دیدن است.
 ۳. ایمان شامل اطاعت می‌شود.
- خدا، پسرش و کلامش کاملاً قابل اعتماد هستند.



درس ۱: تصویر شماره ۱



درس ۱: تصویر شماره ۲



درس ۱: تصویر شماره ۳



درس ۱: تصویر شماره ۴

درس ۲

دختر یایرس

قسمت مورد مطالعه کلام: متی ۹: ۱۸-۲۶، مرقس ۵: ۲۱-۴۳، لوقا ۸: ۴۰-۵۶.

هدف درس: به شاگردانتان بیاموزید که ایمان چگونه عمل می کند.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: ایمان از جانب خداست.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: چالش برای توکل کامل بر خدا.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: باور کنند که عیسی پسر خداست و کاملاً بر او توکل کنند.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. پدری باور دارد که عیسی می تواند دخترش را شفا دهد (متی ۹: ۱۸-۱۹، مرقس ۵: ۲۱-۲۴، لوقا ۸: ۴۰-۴۲)

۲. زنی باور دارد که می تواند شفا یابد (متی ۹: ۲۰-۲۲، مرقس ۵: ۲۵-۳۲، لوقا ۸: ۴۳-۴۶)

۳. ایمان زن اجر خود را یافت (متی ۹: ۲۲، مرقس ۵: ۳۳-۳۴، لوقا ۸: ۴۷-۴۸)

۴. عیسی به پدر غمگین گفت که ایمان بیاورد (متی ۹: ۲۳-۲۴، مرقس ۵: ۳۵-۴۰، لوقا ۸: ۴۹-۵۳)

۵. چون آن پدر به عیسی ایمان آورد، عیسی معجزه کرد (متی ۹: ۲۵-۲۶، مرقس ۵: ۴۰-۴۳، لوقا ۸: ۵۴-۵۶).

آیه حفظی:

« زیرا که محض فیض نجات یافته اند، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست و نه از اعمال تا هیچکس فخر نکند» (افسیان ۲: ۸-۹).

درس

در آخرین جلسه یاد گرفتیم که ایمان چیست؟ کسی به من می گوید که ایمان چیست؟ (به شاگردان فرصت دهید تا آنرا توضیح دهند) چه کسی در درس گذشته ایمان خود را به کار بسته و از کجا می دانیم که او ایمان داشته است؟ (دوباره به شاگردان فرصت بحث بدهید). امروز یاد خواهیم گرفت که چگونه دو شخص دیگر ایمان خود را به کار می گیرند. با دقت گوش کنید!

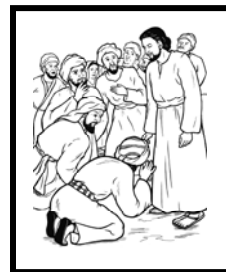
۱. پدری باور دارد که عیسی می تواند دخترش را شفا دهد

متی ۹: ۱۸-۱۹، مرقس ۵: ۲۱-۲۴، لوقا ۸: ۴۰-۴۲

نزدیک دریای جلیل کمی دورتر از شهر کفرناحوم جمعیت کثیری از مردم منتظر ایستاده بودند. آنها می‌خواستند عیسی را سوار بر قایق در دریاچه ببینند. وقتی که قایق به ساحل رسید عیسی و شاگردانش از آن پیاده شدند. مردم با شادی او را استقبال کردند و به سخنانی که به آنان می‌گفت گوش می‌کردند. مردی یایریس نام از رهبران مهم کنیسه یهود بود (کنیسه جایی بود که قوم یهود خدا را پرستش می‌کرد) با این حال بیشتر رهبران کنیسه به عیسی به عنوان پسر خدا ایمان نداشتند.

تصویر شماره ۶ را نشان دهید

یایریس راه خود را از میان جمعیت به سوی مسیح باز کرد و بر پاهای عیسی افتاد. یایریس در حالیکه به چهره او نگاه می‌کرد زاری‌کنان گفت: «دخترم دارد می‌میرد! خواهش می‌کنم بیا و دست خود را بر او بگذار تا معالجه شود.» آیا او شنیده بود که عیسی خداوند پسر سرهنگ را شفا داده بود؟ شاید چنین باشد. به هر حال، عده کمی از یهودیان ایمان داشتند که عیسی خداوند پسر خداست (یوحنا ۱: ۱۱ را ببیند) اما یایریس درمانده بود. او باید کسی را پیدا می‌کرد تا بتواند تنها دخترش را شفا دهد.



وقتی که جمعیت دید که عیسی خداوند در پی یایریس به راه افتاد مردم مصمم شدند که با او بروند. شاید آنها عیسی را در حین انجام معجزه برای یایریس ببینند. آنها درباره کارهای شگفت‌انگیزی که عیسی برای سایرین انجام داده بود شنیده بودند. حالا می‌خواستند با چشمان خود معجزه‌ای ببینند. مردم یکدیگر را هل می‌دادند تا به عیسی برسند. همه می‌خواستند به او نزدیکتر باشد. یایریس فکر می‌کرد که عیسی هرگز به دختر کوچکش نخواهد رسید.

۲. زنی باور دارد که می‌تواند شفا یابد

متی ۹: ۲۰-۲۲، مرقس ۵: ۲۵-۳۲، لوقا ۸: ۴۳-۴۶

تصویر شماره ۷ را نشان دهید

درست در همان موقع عیسی سوال کرد: «کیست که مرا لمس نمود؟» «من نبودم» دیگری گفت «من هم نبودم» پطرس و سایر رسولان مسیح گفتند: «ای استاد، مردم هجوم آورده بر تو ازدحام می‌کنند و می‌گویند کیست که مرا لمس نمود؟»



عیسی برگشت و به صورت زنی که او را لمس نموده بود نگاه کرد. هیچ چیز نمی‌تواند از او مخفی بماند. او می‌دانست چه کسی او را لمس کرده است. اما چگونه فهمید که لمس آن زن از باقی مردمی که بر او هجوم می‌آوردند متفاوت بود؟ چون او که همه چیز را می‌داند، می‌دانست که تنها یک نفر نیازی خاص دارد و به منظوری خاص او را لمس کرده است.

قابل توجه معلم:

شاگردان شما ممکن است سؤال کنند که چرا آن زن پنهانی ردای عیسی خداوند را لمس نمود. جواب این است:

«حالا می‌توانیم بفهمیم علت این پنهان‌کاری زن چه بود. شرم و حیایی طبیعی که حاصل ماهیت بیماری او بود، خجالت از بی‌آبرویی حضور در جمع باعث شد که او از نزدیک شدن آشکارا به خداوند خودداری کند. طبق سنت لایوان زنی که از بیماری مشابه او رنج می‌برد نجس محسوب می‌شد. و نیز کسی که او لمس می‌کرد نیز از لحاظ عرف تا شب نجس بود. (لایوان ۱۵: ۲۵-۲۷). تعجبی ندارد که زن می‌خواست طوری عمل کند که عیسی خداوند متوجه نشود. اما عیسی فوراً به اطراف نگاه کرد. می‌توانیم مطمئن باشیم که او از شرمگین ساختن زن خشنود نبود بلکه ایمان او را تحسین کرد. و او از ته دل می‌خواست که زن شادی اطمینان از نجات را دریابد و همه این اتفاقات گواهی بر قدرت او باشد.

به همین خاطر بود که او در در میان جمعیت جست و وقتی که با ترس و لرز در مقابل پایهای او افتاد و حقیقت را به او گفت، او را برکت داد: «دختر! که نشان از رابطه‌ای جدید است) ایمانت تو را شفا داده است به سلامتی (از لحاظ ادبی به معنای در سلامتی) برو و از بلائی خویش رستگار باش». چقدر زندگی زن فرق کرده بود! او دیگر مجبور نبود برکت خود را قایم کند. نه تنها جسم او شفا یافته بود بلکه روح او نیز پاکیزه شده بود. او وارد رابطه‌ای شخصی با خدا شده بود. او با روحی مشکل دار مقابل پاهای او افتاده بود و حالا «در سلامتی» می‌رفت؟

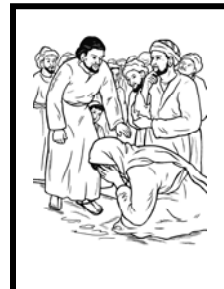
لحظه سنگین شرمساری او حالا ارزشمند بود. سالهای رنج او با پاکی و شفا و قدرت نجات بخش پسر خدا، ختنی شده بود. با اعترافش در مقابل او شاهدهی بر ذات و کار او بود. ایمانش او را نجات داده بود. اما ایمانش قدرت رهایی او نبود. ایمانش راهی بود برای اثر کردن قدرت عیسی مسیح. برای خداوند بزرگی ایمان مطرح نیست، بلکه مهم این است که این ایمان بر او که قدرت نجات و برکت دارد متمرکز شود.

برگرفته از Studies in the Gospel of Mark by E. Schuyler English.

۳. ایمان زن اجر خود را یافت

متی ۹: ۲۲، مرقس ۵: ۳۳-۳۴، لوقا ۸: ۴۷-۴۸

تصویر شماره ۸ را نشان دهید



آن زن در حالیکه می‌لرزید روی پاهای عیسی افتاد و گفت: «من دوازده سال به مرض خونریزی داخلی مبتلا بودم و نزد دکترهای زیادی رفتم و پول زیادی هم صرف علاج خود کردم اما به جای اینکه بهتر شوم بدتر شدم. شنیدم که تو مریضان را شفا می‌بخشی. ایمان داشتم که اگر بتوانم فقط لباسهای تو را لمس کنم شفا می‌یابیم. بنابراین از میان جمعیت گذشتم تا گوشه ردای تو را لمس کنم».

لحظه‌ای که آن زن او را لمس نمود، عیسی فهمید که قدرتی از او وارد بدن زن شده است. او از آن زن عصبانی نبود. برعکس، به خاطر ایمانش او را دختر خود خطاب کرد و گفت: «ای دختر ایمانت تو را شفا داده است. به سلامتی برو و از بلای خویش رستگار باش».

آنروز چه روز خوبی برای آن زن بود! چون او به عیسی خداوند ایمان آورد و عیسی آرامش خود را به او بخشید. او زن را از گناهش پاک ساخت. او با ترس جلو پاهای عیسی افتاد، اما در آرامش از او دور شد. ایمان او به عیسی خداوند او را نجات داد و او خوب شد - کاملاً خوب!

۴. عیسی به پدر غمگین گفت که ایمان بیاورد

متی ۹: ۲۳-۲۴، مرقس ۵: ۳۵-۴۰، لوقا ۸: ۴۹-۵۳

تصویر شماره ۹ را نشان دهید



یایرس بی‌تاب بود. آیا عیسی خداوند او را فراموش کرده است؟ او جمعیت را کنار می‌زد تا به نزد عیسی برسد و دختر مریضش را به او یادآوری کند. در همان لحظه، پیکری نزد یایرس دوید و گفت: «دخترت مرد. دیگر استاد را زحمت نده.»

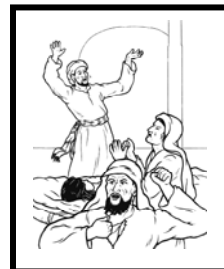
یایرس بیچاره! او فکر کرد "چرا آن زن باعث تاخیر شد؟ چرا عیسی خداوند ایستاد تا با او سخن بگوید؟ آن زن مدت‌های طولانی مریض بود، می‌توانست تا خوب شدن بچه من صبر کند. حالا تنها دخترم مرده است!"

اما عیسی خداوند گفت: «ترسان مباش، ایمان آور و بس که شفا خواهد یافت».

یایرس حالا وقت ترسیدن نیست، حالا وقت ایمان است!
عیسی به جمیت فرمان داد تا در پی او نروند. او فقط سه تا از شاگردان (پطرس، یعقوب و یوحنا) را با خود برد و به همراه یایریس به خانه او رفت.

تصویر شماره ۱۰ را نشان دهید

چه گریه و زاری آنجا می‌کردند! خانواده، دوستان و دیگران - که کارشان گریه و زاری برای مرده بود - همه با صدای بلند ناله و زاری می‌کردند.
عیسی خداوند پرسید: «چرا غوغا و گریه می‌کنید؟ دختر نمرده بلکه در خواب است!»
چرا وقتی که همه می‌دانستند دختر مرده است عیسی چنین حرفی زد؟ او این را گفت چون او آگاهتر از هر کس دیگری است. او می‌داند که مرگ برای مسیحیان مثل خواب است. (یوحنا ۱۱: ۱۱، ۱۳، ۲۶ را ببیند)



چون مردمی که آنجا گریه می‌کردند نمی‌دانستند منظور عیسی چه بود. پس او را مسخره کردند.

۵. چون پدر به عیسی ایمان آورد عیسی معجزه کرد

متی ۹: ۲۵ - ۲۶، مرقس ۵: ۴۰ - ۴۳، لوقا ۸: ۵۴ - ۵۶

عیسی آن جمعیت را بیرون کرد سپس عیسی خداوند به همراه پدر و مادر او و سه شاگردش به اتاقی رفت که آن دختر دوازده ساله در آن خوابیده بود. او نفس نمی‌کشید. حرکت نمی‌کرد، یعنی نمی‌توانست بکند.

تصویر شماره ۱۱ را نشان دهید

پس دست دختر را گرفته به وی گفت: «ای دختر برخیز!»
در ساعت دختر برخاسته، راحت رفت. او زنده شده بود. پدر و مادر او حیران شدند!
عیسی گفت: «او را خوراک دهید!» او به دارویی احتیاج نداشت. او زنده شده بود کاملاً خوب بود. عیسی، پسر خدا، معجزه‌ای انجام داده بود. پیروان او حالا فهمیده بودند که او کاری بیشتر از شفای مریضان می‌تواند انجام دهد. او همچنین قدرت داشت که مردگان را زنده کند. او باز ثابت کرد که پسر خداست.



یایرس و زن بیمار در سه نقطه مشترکند.

۱. هر دو درباره عیسی خداوند آگاهی داشتند.

۲. هر دو در ذهن خود ایمان داشتند که او می‌تواند به آنها کمک کند.

۳. هر دو به تمامی دل بر او توکل کردند.

آنها ایمانشان را از کجا بدست آورده بودند؟ از خدا. خداوند به هر دوی آنها ایمان داده بود. زنده شدن یک مرده معرکه است اما برای خدا چیزی که مهمتر است این است که همه در همه جا نجات یابند. برای همین او پسر عزیزش را، عیسی خداوند، داد تا بر روی صلیب به خاطر گناهان ما بمیرد.

آگاهی درباره عیسی خداوند کافی نیست. فکر کردن درباره عیسی خداوند کافی نیست. باور داشتن اینکه او می‌تواند کارهای خوب انجام دهد کافی نیست.

ما باید باور کنیم که عیسی پسر خداست.

ما باید بر او توکل کنیم، باور کنیم که برای گناهان ما مرده است.

ما باید او را بپذیریم و از گناهان خود برگردیم.

فقط در این صورت هدیه نجات او را دریافت خواهیم کرد (افسیسیان ۲: ۸-۹ را ببیند).



درس ۲: تصویر شماره ۱



درس ۲: تصویر شماره ۲



درس ۲: تصویر شماره ۳



درس ۲: تصویر شماره ۴

درس ۳

شفای مرد نابینا

قسمت مورد مطالعه کلام: یوحنا ۹: ۱-۳۸

هدف درس: به شاگردانتان نتیجه ایمان حقیقی را بیاموزید.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: نتیجه ایمان به مسیح آمرزش گناه و اطمینان از حیات جاودان است.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: تمایل به آمرزش گناه و اطمینان از حیات جاودان.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند: بر عیسی مسیح خداوند توکل کنند و اطمینان و آمرزش گناه را بیابند.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱- نابینا به خاطر نشان دادن قدرت خدا (یوحنا ۹: ۱-۵).

۲- مرد نابینا به عیسی ایمان آورد و از او اطاعت کرد (یوحنا ۹: ۶-۷).

۳- مرد نابینا، بینا شد چون ایمان آورد (یوحنا ۹: ۷-۱۳).

۴- فریسیان از ایمان آوردن به مسیح امتناع کردند (یوحنا ۹: ۱۴-۳۴).

۵- آن مرد کاملاً به عیسی توکل کرد (یوحنا ۹: ۳۵-۳۸).

آیه حفظی:

« زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند» (افسیسیان ۲: ۸-۹).

درس

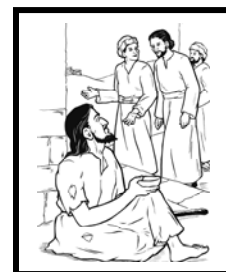
ایمان چیست؟ / ایمان باور به خداست. ایمان باور کردن بدون دیدن است. چگونه یک شخص ایمان می‌آورد؟ کتاب مقدس به ما می‌گوید: «لهذا ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا» (رومیان ۱۰: ۱۷) امروز در این درس، ما درباره نتایج ایمان خواهیم آموخت.

۱. نابینا به خاطر نشان دادن قدرت خدا

یوحنا ۹: ۱-۵

تصویر شماره ۱۲ را نشان دهید

آنروز روز سبت (شنبه)، روز عبادت یهود بود. عیسی خداوند و شاگردانش در حین قدم زدن در کنار هیکل در اورشلیم گدای کوری را دیدند. آن مرد هرگز صورت پدر



و مادرش را ندیده بود. او هرگز طلوع و غروب آفتاب را ندیده بود. پرواز یک پرنده را ندیده بود. او هرگز خانه‌اش را ندیده بود. از آنجا که کور بود نمی‌توانست مثل سایرین کار کند. در عوض می‌نشست و پول و غذا گدایی می‌کرد.

با دیدن او، شاگردان رو به عیسی خداوند کردند و نجواکنان از او پرسیدند: «این مرد چرا کور است؟ آیا گناه کرده؟ آیا او یا والدینش گناهی کرده‌اند؟» (ما یاد گرفته‌ایم و به یاد دارید که بیماری گاهی نتیجه گناه است).

عیسی توضیح داد که: «نه خود این شخص و نه والدینش گناهی نکرده‌اند بلکه او نابینا به دنیا آمد تا قدرت خدا را نشان دهد.»

هر وقت شاگردان می‌دیدند که عیسی خداوند شخصی را شفا می‌دهد قدرت خدا (اعمال خدا) را می‌دیدند. آنها به مرد کور نگاه می‌کردند و با خود فکر می‌کردند که آیا باز قدرت خدا (اعمال خدا) را خواهیم دید؟

۲. مرد نابینا به عیسی ایمان آورد و از او اطاعت کرد

یوحنا ۹: ۶-۷

تصویر شماره ۱۳ را نشان دهید.

سپس شاگردان عیسی را دیدند که آب دهان بر زمین انداخته از آب گل ساخت و گل را به چشمان کور مالید و بدو گفت: «برودر حوض سیلوه‌ها بشور».

چه دستور عجیبی! آیا عیسی می‌توانست آن مرد را بدون فرستادن به حوض شفا دهد؟ بله. اما او می‌خواست که آن مرد به او ایمان آورد و از او اطاعت کند. او می‌خواست که مرد ایمان خود را به کار گیرد.

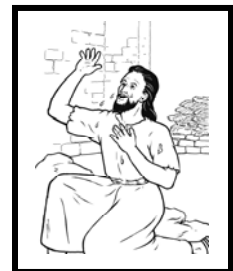
گدای کور مطیعانه برخاست و به طرف حوض سیلوه‌ها به راه افتاد. وقتی به حوض رسید خم شده زانو زد و چشمان خود را شست.



۳. مرد نابینا، بینا شد چون ایمان آورد

یوحنا ۹: ۷-۱۳

تصویر شماره ۱۴ را نشان دهید.



وقتی سر خود را بالا آورد چشمان خود را به هم زد. نور چشم او را زد. او حوض را که آبی درخشان داشت دید. درختان و گلها و ساختمانها را دید. او مردم را دید. رنگها را دید. چمن سبز، آسمان آبی، و گلهای قرمز و زرد. چه دنیای زیبایی!

او با عجله به سمت خانه رفت. پدر و مادر چه خواهند گفت؟ رهبران یهود چه خواهند گفت؟ همسایگان با دیدن او گفتند: «آیا این آن است که می‌نشست و گدایی می‌کرد؟» بعضی گفتند: «بله همان است»

دیگران گفتند: «نه، به او شباهت دارد»

سپس آن مرد خودگفت: «من همانم»

آنها پرسیدند: «پس چگونه چشمان تو باز شد؟»

«شخصی به نام عیسی، گل ساخت و بر چشمان من مالید و به من گفت به حوض سیلوه برو و بشور. رفتم و شستم و بینا شدم!»

مردم پرسیدند: «آن شخص کجاست؟»

آن مرد جواب داد: «نمی‌دانم»

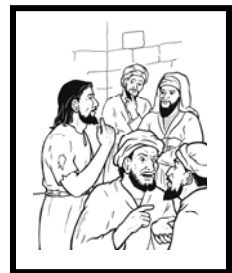
مردم فکر کردند که فریسیان (رهبران مذهبی یهود) باید درباره او اطلاع داشته باشند. پس او را نزد فریسیان بردند.

۴. فریسیان از ایمان آوردن به مسیح امتناع کردند

یوحنا ۹: ۱۴-۳۴

تصویر شماره ۱۵ را نشان دهید

وقتی فریسیان این خبر را شنیدند، شروع به بحث کردند. بعضی گفتند: «شریعت ما را از کارهایی مثل گل ساختن و شستن در حوض در روز سبت منع کرده است. او این معجزه را در روز سبت انجام داده است. پس می‌دانیم که آن شخص از جانب خدا نیست.»



دیگران گفتند: «چگونه شخصی که از جانب خدا نیست می‌تواند چنین معجزاتی بکند؟»

آنها رو به آن مرد کرده و پرسیدند: «این مرد که چشمان تو را باز کرد... کیست؟»

او جواب داد: «نبی است» جواب او درست بود عیسی نبی از جانب خدا است.

اما او بیشتر از یک نبی است. او پسر خداست. با این حال فریسیان این را باور نکردند.

آنها رو به پدر و مادر آن مرد کرده پرسیدند: «آیا این پسر شماست که می‌گوید کور متولد شده؟ پس چگونه حالا بینا شده است؟»

پدر و مادر او می‌ترسیدند که حقیقت را بگویند. آنها می‌دانستند که اگر بگویند عیسی مسیح (نجات‌دهنده فرستاده شده از جانب خداوند) است، از کنیسه بیرون می‌کنند. پدر و مادر محتاطانه جواب دادند: «می‌دانیم که این پسر ما است و کور متولد شده. اما اینکه حالا چطور می‌بیند را نمی‌دانیم و نمی‌دانیم که چطور چشمانش باز شده. او بالغ است. از او سؤال کنید تا خودش بگوید.»

رهبران یهود آن شخص را که کور بود باز خوانده و به او گفتند: «در مقابل خدا قسم بخور که حقیقت را بگویی. می‌دانیم که این شخص، عیسی گناهکار است.»

آن مرد جواب داد: «اگر گناهکار است نمی‌دانم. یک چیز می‌دانم که کور بودم و الان بینا شده‌ام.»

آنها پرسیدند: «با تو چه کرد و چگونه چشمان تورا باز کرد؟»

«الان به شما گفتم. نشنیدید؟ برای چه می‌خواهید دوباره بشنوید؟ آیا می‌خواهید شاگرد او بشوید؟»

این حرف رهبران یهود را خشمگین کرد. پس به او فحش دادند و گفتند: «تو شاگرد او هستی. ما شاگرد موسی هستیم. می‌دانیم که خدا با موسی حرف زد اما این شخص (عیسی) را نمی‌دانیم از کجا آمده؟» فریسیان فکر می‌کردند همه چیز را می‌دانند اما این چیزی بود که آنها نمی‌دانستند.

آن مرد جواب داد: «این عجب است که شما نمی‌دانید از کجاست و حال آنکه چشمای مرا باز کرد و می‌دانیم که خدا دعای گناهکاران را نمی‌شنود. اما اگر کسی خداپرست باشد و اراده او را بجا آورد او را می‌شنود. از ابتدای عالم شنیده نشده است که کسی چشمان کور مادرزاد را باز کرده باشد. اگر این شخص از جانب خدا نبود، هیچ کاری از دستش بر نمی‌آمد.»

فریسیان به قدر کافی شنیده بودند. آنها با خشم فریاد زدند: «تو که با گناه متولد شده‌ای، ما را تعلیم می‌دهی؟ پس او را از کنیسه بیرون راندند تا نتواند خدا را در آنجا عبادت کند.»

۵. آن مرد نابینا کاملاً به عیسی توکل کرد

یوحنا ۹: ۳۵ - ۳۸

تصویر شماره ۱۶ را نشان دهید

عیسی چون شنید که او را بیرون کرده‌اند، او را پیدا کرده از او پرسید: «آیا تو به پسر خدا ایمان داری؟»

مرد جواب داد: «ای آقا، او کیست تا به او ایمان آورم؟»



عیسی گفت: «تو نیز او را دیده‌ای و او همان کسی که داری با او حرف می‌زنی.»

آن مرد گفت: «بله، ای خداوند ایمان دارم.» سپس زانو زده عیسی را پرستش کرد. تصورش را بکنید! پس از عمری گدایی و کوری، آن مرد گفت: «ایمان دارم.» او عیسی خداوند را رو در رو دید و او را پرستش کرد! او از کنیسه به آغوش پرمحبت پسر خدا انداخته شد. چه چیزی می‌تواند بدتر از گدایی و کوری باشد! این زندگی را بدون ایمان به عیسی خداوند، پسر خدا، به اتمام رساندن و گذراندن. اینکه هرگز از آمرزش گناه اطمینان نداشته باشی این بدتر از این است که کور باشی.

ممکن است با این فکر که کارهای نیکو شما را به بهشت می‌برند، آنها را انجام دهید. اما خدا می‌گوید فقط یک راه برای رفتن به بهشت وجود دارد: «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست و نه از اعمال تا هیچکس فخر نکند» (افسیسیان ۲: ۸-۹).

ایمان چیست؟ ایمان باور کردن خداست.

ایمان چگونه عمل می‌کند؟ ایمان باعث می‌شود که من درک کنم که عیسی مسیح خداوند پسر خداست، که او به جای من بر صلیب مرد، تا گناهان بسیار مرا بر خود گیرد و باز از مردگان قیام کند. نتیجه ایمان چیست؟ با توکل کامل به عیسی خداوند، نجات‌دهنده جهان، من از گناه آمرزیده شده و با او در آسمان حیات جاودان دارم.

آیا شما ایمان آورده‌اید؟

قابل توجه معلم:

«با اینکه تلاش شده که این دروس راحت و آسان باشد اما ادعا نمی‌کنیم که کامل هستند. از معلم می‌خواهیم که دانه کلامی که در این صفحات آمده را در قلب و فکر خود پرورش داده و آنها را در کلاس مطرح کند به این طریق با هدایت روح القدس، درس از آن معلم بوده و پیغام، پیغام خدا خواهد بود که به بهترین وجه ارائه می‌شود. همانطور که غذاهای کنسروی باید گرم و با ظاهری دلپذیر سرو شوند، مطالب دروس نیز باید در قلب معلم گرم شده و با آمادگی کافی در کلاس سرو شوند.»

بر گرفته از Easy-to-Give Object Lessons انتشارات مودی پرس، شیکاگو. ۱۹۷۴ مندرج شده با کسب مجوز.



درس ۳ : تصویر شماره ۱



درس ۳ : تصویر شماره ۲



درس ۳ : تصویر شماره ۳



درس ۳: تصویر شماره ۴

درس ۴

ایمان

هدف درس: ایمان شامل باور به خدا، کلام او، و پسرش می‌شود.

آنچه شاگردان شما باید بدانند: مهمترین نوع ایمان، ایمان به خدا و پسرش است.

آنچه شاگردان شما باید احساس کنند: تمایل به باور عیسی مسیح خداوند.

آنچه شاگردان شما باید انجام دهند:

نجات‌یافتگان: باور کنند که عیسی پسر خداست که مجازات گناهان آنها را بر خود گرفته و او را به عنوان نجات‌دهنده بپذیرند.

نجات‌یافتگان: خدا را به خاطر ایمان نجات‌بخششان بپرستند.

رئوس مطالب درسی (جهت اطلاع معلم و شاگردان):

۱. ایمان به معنی باور بدون دیدن (عبرانیان ۱۱: ۱)

۲. ایمانی که باور داشته باشد اجر می‌یابد (یوحنا: ۵-۵۳، ۹: ۱-۷، متی ۹: ۱۸-۲۵)

۳. ایمان نجات‌بخش یعنی باور به اینکه عیسی می‌تواند گناه را بیامرزد (افسیسیان ۲: ۸-۹)

آیه حفظی:

«زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید بوسیله ایمان و این از شما نیست بکله بخشش خداست نه از

اعمال تا هیچکس فخر نکند» (افسیسیان ۲: ۸-۹)

قابل توجه معلم:

برای آنکه موضوع ایمان در کلاس شما معنی یافته و عملی شود، سه درس گذشته را یادآوری کنید:

۱- معنی ایمان

۲- کار ایمان

۳- نتیجه ایمان

از خدا بخواهید که به شما کمک کند تا فهم آموزه ایمان چنان ساده گردد که نتایج آن در زندگی شاگردان شما دیده شود.

۱- ایمان یعنی باور بدون دیدن

عبرانیان ۱:۱۱

(معلم: این کتاب یا کتاب مقدس خود را در کلاس بالا بگیرید تا بتوانند آنرا ببینند.)

امروز من کتابی در درست دارم. راست می‌گم یا نه؟ از کجا می‌دانید که راست می‌گم؟ (به شاگردانتان فرصت دهید تا هر کدام جواب بدهند.) می‌دانید که من راست می‌گم چون می‌توانید ببینید که من کتابی در دست دارم. این کتاب در دست من است و شما آن را می‌بینید.

حالا چشمان خود را ببندید و تا وقتی که نگفتم باز نکنید. نمی‌خواهم کسی زیر چشمی نگاه کند. (در حالیکه آنها چشمان خود را بسته‌اند، کتاب را کنار گذاشته و سکه‌ای یا سنگ کوچکی یا هر چیز دیگری را که بتوان در دست قایم کرد، در دست بگیرید.)

حالا در حالیکه چشمان شما بسته است می‌خواهم چیزی به شما بگویم. آماده‌اید؟ چشمان خود را بسته نگه دارید! من سکه‌ای در دست دارم، باور کنید راست می‌گم؟ آیا واقعاً سکه‌ای در دست من است؟ (به شاگردان فرصت دهید تا جواب دهند، ممکن است جواب مثبت بدهند و بعضاً منفی.)

بعضی از شما جواب مثبت دادید، چه چیزی باعث شد که بگویید که من سکه‌ای در دست دارم؟ آیا می‌توانید با چشمان بسته ببینید؟ البته که نه، حالا چشمان خود را باز کنید. (سکه‌ای در دست خود پنهان کنید) آیا می‌توانید سکه را ببینید؟ نه.

آیا هنوز باور می‌کنید که من راست می‌گویم؟ چند نفر از شما باور می‌کنند که من سکه‌ای در دست دارم؟ (به آنها اجازه دهید جواب دهند). بعضی از شما کاملاً مطمئن نیستید. عده‌ای واقعاً باور دارند که من سکه‌ای دارم. اگر شما باور کنید، با اینکه چیزی نمی‌بینید، شما ایمان دارید. آیا شما کلمهٔ ایمان را به یاد دارید؟ ما سه درس پیش دربارهٔ ایمان حرف زدیم. ایمان کلمه مهمی است. ایمان به معنی باور کردن بدون دیدن است. اگر شما باور می‌کنید که من سکه‌ای در دست دارم، حتی اگر آن را نمی‌بینید، شما ایمان دارید.

وقتی که بیشتر از شما سؤال کردم که آیا کتابی در دست دارم، جواب دادید: «بله». آیا آن ایمان بود؟ نه، چون شما می‌توانستید کتاب را ببینید. شما باور کردید چون دیدید. در نتیجه، ایمان یعنی باور کردن بدون دیدن.

(سکه را به حالت مخفی در درست خود بگیرید.)

حالا از یکی از شما که باور می‌کند که سکه‌ای در دست من است، می‌خواهم که بیاید و آنرا بگیرد. (اجازه دهید یکی از بچه‌های کلاس سکه را از دست شما بگیرد.) می‌بیند که او آمد و آن را گرفت؟ و سکه را نمی‌دید. با این حال باور می‌کرد که من آن را دارم. باور کرد که من آن را به او خواهم داد، آیا این ایمان بود؟ بله، ایمان بود.

مهم این است که ما یاد گرفتیم ایمان چیست و چگونه عمل می‌کند. می‌دانید چرا؟ چون کتاب مقدس به ما می‌گوید: «لیکن بدون ایمان تحصیل رضامندی او محال است.» (عبرانیان ۱۱: ۶) مهمترین نوع ایمان، ایمان به خداست - نه ایمان به یک شخص یا چیزی بر روی زمین.

ایمان یعنی باور کردن خدا حتی اگر او را نبینیم. ایمان یعنی باور کردن عیسی مسیح خدا، پسر خدا، حتی اگر او را نبینیم. ایمان یعنی اینکه بارو کنیم که آنچه خدا می‌گوید درست است. چگونه مطمئن می‌شویم که خدا راست می‌گوید؟ چگونه بدانیم که می‌توانیم او را باور کنیم؟ عبرانیان ۶: ۱۸ می‌گوید: «ممکن نیست خدا دروغ بگوید.» تیطس ۱: ۲ می‌گوید: «خدایی که دروغ نمی‌تواند گفت.» اگر خدا نمی‌تواند دروغ بگوید، پس همیشه راست می‌گوید. آیا ما می‌توانیم کسی را که همیشه راست می‌گوید و هرگز دروغ نمی‌گوید باور کنیم؟ البته که می‌توانیم! عیسی خداوند پسر خدا، هرگز دروغ نمی‌گوید چون او خدای پسر است. (یوحنا ۱۰: ۳۰ را ببیند) او نمی‌تواند هیچ کار اشتباهی انجام دهد. هر آنچه که توسط خدا (پدر و پسر) گفته شود درست است. کتاب مقدس، کلام خدا، درست و بی‌اشتباه است. وقتی شما کلام خدا را (حتی اگر معنی آنرا نمی‌فهمید) باور می‌کنید، در حال تمرین ایمان هستید.

۲. ایمانی که باور داشته باشد اجرا می‌یابد

یوحنا ۴: ۵۰-۵۳، ۹: ۱-۷، متی ۹: ۱۸-۲۵

می‌توانید چند نفر از کتاب مقدس نام ببرید که ایمان داشتند؟ (به کلاس فرصت دهید تا چند تن را نام ببرند). شما به یاد دارید که یک سرهنگ از عیسی خواست که پسرش را شفا دهد. آیا سرهنگ ایمان داشت؟ بله. عیسی به او گفت: «به خانه برو، پسر زنده است.» آن سرهنگ عیسی را باور کرد. خدا ایمان او را دید و ایمانش را اجر داد.

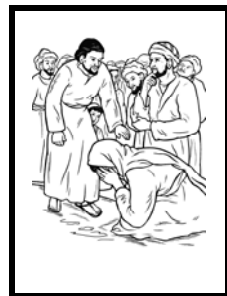
تصویر شماره ۵ را نشان دهید

سرهنگ به خانه رفت و پسرش را زنده یافت. پس خانواده سرهنگ نیز باور کردند. همه آنها به پسر خدا ایمان داشتند، گر چه نتوانستند او را ببینند.



تصویر شماره ۸ را نشان دهید

زنی که دوازده سال بیمار بود و به عیسی مسیح خداوند توکل کرد. او باور کرد که عیسی می‌تواند او را شفا دهد. پس به سادگی نزد او رفت و گوشه‌ردای او را لمس کرد. خونریزی او فوراً قطع شد. ایمان او اجر داده شد.



یایرس نیز ایمان داشت. او باور کرد که عیسی می‌تواند پسرش را شفا بخشد. با این حال، قبل از اینکه عیسی بتواند نزد دختر برود او مرد. اما یایرس باورش را از دست نداد. عیسی به او کمک کرد تا باورش را حفظ کند. حتی وقتی که به نظر می‌رسید امیدش زایل شده است. خدا ایمان یایرس را اجر داده بود.

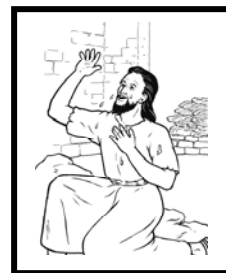
تصویر شماره ۱۱ را نشان دهید

دخترش زنده شده بود.



تصویر شماره ۱۴ را نشان دهید

آیا به یاد دارید چه اتفاقی برای آن مرد کور افتاد؟ عیسی خداوند گل بر چشمان او مالید و به او گفت در حوض سیلوها آن را بشوید. آیا او اطاعت کرد؟ بله. اطاعت کرد. او باور کرد که عیسی راست می‌گوید. او به پسر خدا ایمان داشت و چشمانش باز شد و بینایی‌اش را به دست آورد.



۳. ایمان نجات بخش یعنی باور کردن اینکه عیسی می‌تواند گناه را بیاورد

افسیان ۲: ۸-۹

همه این افراد باور داشتند که عیسی خداوند می‌تواند به آنها کمک کند. آنها به قدرت خدا ایمان داشتند. آنچه او می‌گفت را باور می‌کردند. اما مهمتر از باور اینکه عیسی می‌تواند بیماران را شفا بخشد، این است که باور کنیم او می‌تواند گناه را بیاورد. این یعنی ایمان نجات بخش. این همان ایمانی است که شما را از رفتن به بهشت مطمئن ساخته و آماده می‌کند.

آیا شما باور دارید که عیسی خداوند پسر خداست؟ آیا شما باور دارید که او بر روی صلیب به خاطر گناهان شما مرد؟ آیا باور دارید که از مردگان برخاسته است؟ آیا عیسی مسیح خداوند را به عنوان نجات‌دهنده پذیرفته‌اید؟ (یوحنا ۱: ۱۲ را ببیند). اگر چنین باشد، شما ایمان دارید که رضامندی خدا را

تحصیل می‌کند و به دست می‌آورد. او به همه کسانی که به پسرش عیسی مسیح ایمان راستین داشته باشند، وعده حیات جاودان داده است.

فقط فکر کردن درباره عیسی ایمان نیست. دعا کردن نزد خدا ایمان نیست. گوش کردن به مردمی که درباره خدا حرف می‌زنند ایمان نیست. خواندن کتاب مقدس ایمان نیست. انجام همه این کارها خوب است اما هیچکدام نمی‌تواند خدا را خشنود کند. این ایمان و باور ماست که او را راضی می‌کند.

وقتی (۱) باور کنید که عیسی خداوند پسر خداست، (۲) باور کنید که او مجازات گناهان شما را بر خود گرفته، و (۳) به او به عنوان نجات‌دهندگان توکل کنید- آن وقت است که خدا شما را در خانواده خود می‌پذیرد. عیسی خداوند گناه شما را بر می‌دارد و شما در حضور خدا عادل می‌شوید (دوم قرن‌تیا ۵: ۲۱ را ببیند). حیات جاودان و مکانی در آسمان برای شما مهیا خواهد بود که به خاطر نیکویی و کارهای خوب شما نیست بلکه از عدالت خداست (تیتس ۳: ۵ را ببیند).

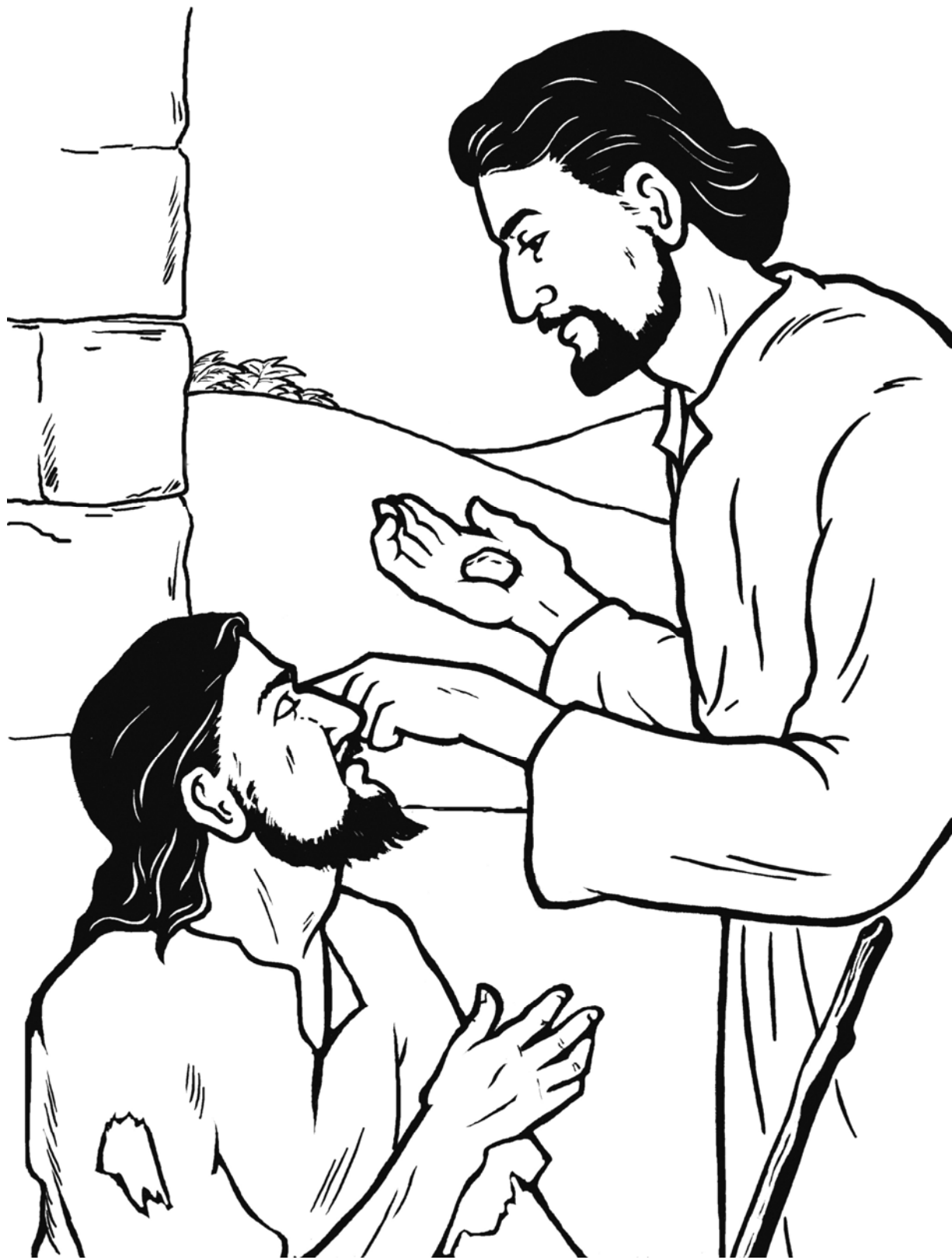
این بدان معنا نیست که ما نباید کارهای خوب بکنیم. وقتی که عیسی مسیح خداوند را به عنوان نجات‌دهنده می‌پذیریم، او در قلبهای ما ساکن می‌شود. از آن پس می‌توانیم و باید خدا را با کارهای خوب خشنود کنیم. زندگی ما تغییر یافته است. ما زندگی تازه‌ای یافته ایم- زندگی الهی. به همراه این زندگی تازه خیلی از چیزهای نیکو نیز وارد زندگی ما می‌شوند. چیزهای کهنه در می‌گذرد و همه چیز تازه می‌شود. (دوم قرن‌تیا ۵: ۱۷ و یعقوب ۲: ۱۷ را ببیند).

و خدا مردان و زنان ایمان را اجر داده است. ما نمی‌توانیم از همه آنچه خدا برای ما مهیا کرده است باخبر شویم مگر آنکه به بهشت برویم.

(معلم: کتاب مقدس خود را بالا نگه دارید)

این کتاب کلام خداست. ما می‌توانیم آن را ببینیم. می‌توانیم هر چه در آن نوشته را باور کنیم چون خدا نمی‌تواند دروغ بگوید. این کتاب می‌گوید: «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست و نه از اعمال تا هیچکس فخر نکند. (افسیان ۲: ۸-۹)

حالا همانطور که در اول درس این کار را کردید، چشمان خود را ببندید. می‌توانید خدا را ببینید؟ نه، نمی‌توانید. می‌توانید او را باور کنید؟ بله! می‌توانید هر چه در کلامش، کتاب مقدس، گفته است را باور کنید؟ بله! اگر تا به حال بر عیسی مسیح خداوند توکل نکرده‌اید، می‌خواهید به او اعتماد کنید؟ علی‌رغم اینکه نمی‌توانید او را ببینید؟ آیا او را به عنوان نجات‌دهنده شخصی خود می‌پذیرید؟ اگر قبلاً او را پذیرفته‌اید، آیا از عیسی خداوند به خاطر ایمان نجات بخشان تشکر می‌کنید؟



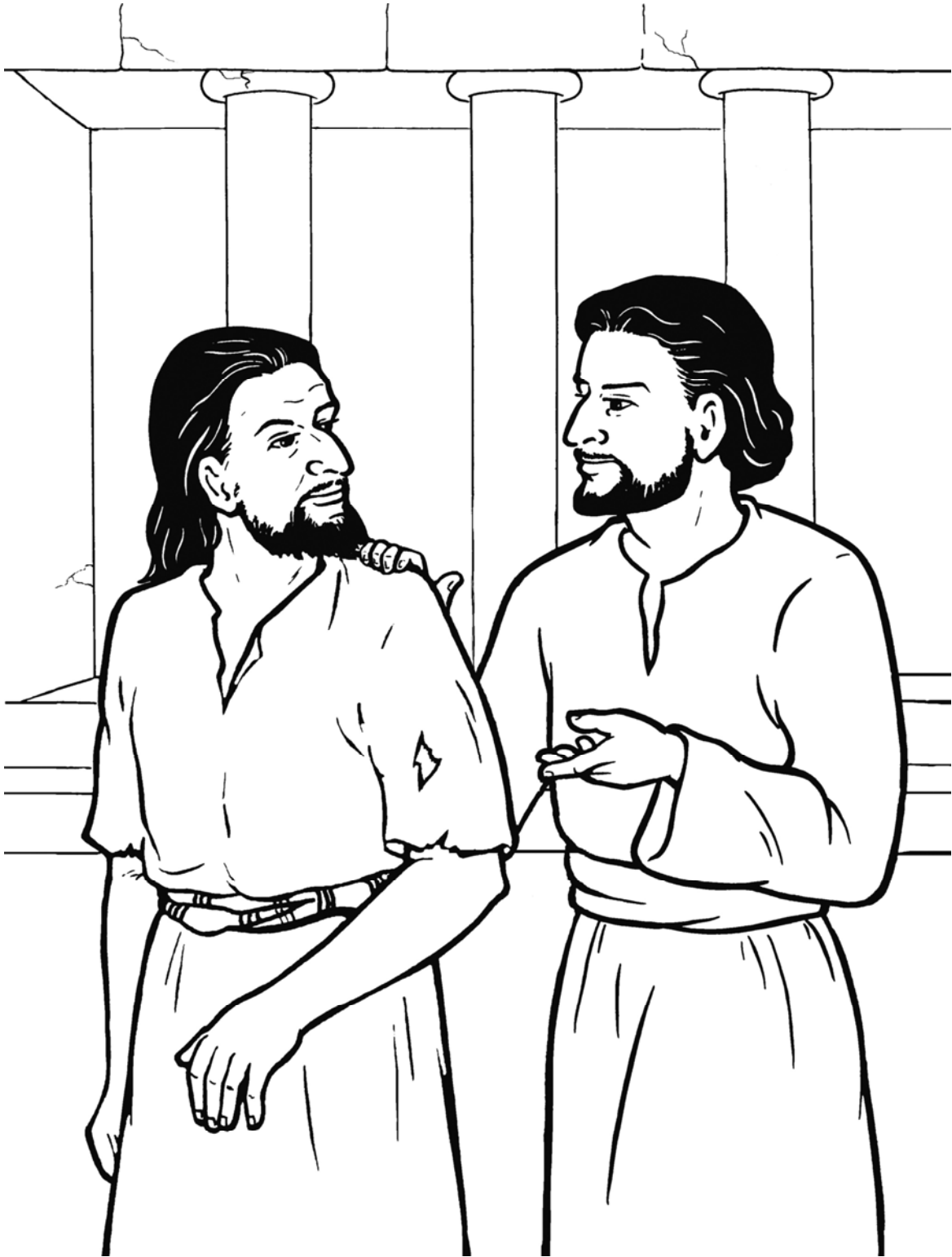
درس ۴: تصویر شماره ۱



درس ۴ : تصویر شماره ۲



درس ۴: تصویر شماره ۳



درس ۴: تصویر شماره ۴